

راه درمان عقده حقارت

عقده حقارت یک درد بی علاج نیست. عده ای توانسته اند بر این بیماری که از ضعف و نقص بدنی آنها و یا دیگر کمبودهای اجتماعی ناشی می شود، غلبه کنند و خود را به پیروزی و سعادت برسانند. پاره ای از عقده های حقارت از کودکی سرچشمه می گیرد و بعضی دیگر در بزرگسالی بر اثر شکستها، ناکامیها، تحقیرها و حوادث گوناگون بوجود می آیند.

یکی از راههای درمان عقده حقارت، محاسبه نفس و تجزیه و تحلیل حالات روحی بیمار و شناختن علل واقعی آن است. از این رو همیشه باید علت احساس حقارت را بررسی کرد، آیا شخص از معلولیت جسمی رنج می برد و یا عقب ماندگی اجتماعی؟ آیا از سوء تربیت دوران کودکی خود سرخورده است؟ و یا اینکه از تحقیرها و بی توجهی های آن دوران نگران است؟ او می تواند در باره هر یک از این ریشه ها به گونه ای بیندیشد و تمام سؤالاتی که پیرامون آنها برایش مطرح است، روی کاغذ آورده و برای یک یک آنها پاسخی پیدا کرده، و یا از دیگران کمک بگیرد مثلاً با خود بگوید:

۱- آیا از اجتماع و اطرافیان انتظار دارم که با من مثل پدر و مادرم رفتار کنند؟ اگر چنین انتظاری دارم، اشتباه است.

۲- من که در خانه عزیز دردانه پدر و مادرم بودم و به تمام خواسته هایم پاسخ مثبت می دادند، آیا دیگران هم باید مرا عزیز و مافوق خود بدانند؟ این کار را هم کسی نخواهد کرد.

۳- آیا برای جبران نفس بدنی خویش، استعدادهای دیگرم را پرورش داده ام؟ تا خود را در زمینه های دیگر نشان دهم؟

۴- حال که مردم مرا احترام نمی کنند، آیا باید نومید شوم؟ و خود را شکست خورده بدانم؟

۵- آیا زندگی روحی من آمیخته با ترس و هیجان است؟ پس باید آن را برطرف کنم.

۶- اگر پدر و مادرم از روی نادانی و جهالت در مورد من سختگیری کردند و موجب سرخوردگی ام شدند، آیا باید تا آخر عمر بسوزم؟ چرا خودم قدمی بردارم و آن سرخوردگیها و کمبودها را جبران نکنم؟

علی (ع) می فرماید:

«لازم است انسان عاقل به حساب خود رسیدگی کند و تمام عیوب خویش را در امور دینی خود، در نظرها و آراء خود، در خلقیات، آداب و طرز معاشرت خود، شمارش کرده و آنها را به ذهن خود بسپارد یا آنکه بر صفحه کاغذی

بنویسید و برای برطرف کردن آن عیوب فعالیت کنید.»^(۴)
برای جبران احساس حقارت باید روح شکست خورده افراد را تقویت کرد و آنها را به کوشش و فعالیت واداشت تا تلاش کنند و عزت از دست رفته خود را به دست آورند.

و خلاصه بحث اینک:

درمان همه عقده های روحی دو راه دارد:

۱- خودشناسی و محاسبه نفس و بررسی علل و ریشه های احساس حقارت.

۲- علاج عقده با واقع بینی و کمک عقل و منطق نمودن خویش با واقعیتهای موجود اجتماعی.

پاورقی ها:

۱- روانشناسی نوجوانان و جوانان، سید احمد احمدی، ص ۵۴.

۲- ناسخ التواریخ، حالات علی (ع)، ص ۸۶۹.

۳- کافی، ج ۲، ص ۳۱۲.

۴- بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۱۱۶.

تاسیس حوزه علمیه قم



اواخر قرن سیزدهم نقطه تحولی در آن ایجاد شد که باعث تثبیت این شهر به عنوان مرکز اصلی تحصیل علوم دینی و موجب روی آوردن علما و بزرگان و طلاب و دانش پژوهان به این شهر مقدس گردید.

این نقطه تحول از زمانی که حضرت آیه الله العظمی شیخ عبد الکریم حائری یزدی در این حوزه مسکن گزید و با انفاست قدسیه خویش حوزه قم را جانی تازه بخشید و به آیه الله مؤسس شهرت یافت.

شیخ عبد الکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم

مرحوم شیخ عبد الکریم حائری یزدی در سال ۱۲۷۶ هجری قمری در روستای مهرجرد یزد دیده به جهان گشود و اهالی روستای مهرجرد را که از فرزندان شدن پدرش محمد جعفر مایوس بودند به شگفتی واداشت.

دوران کودکی او در دامان پر مهر مادری مهربان سپری گشت تا اینکه پا به شش سالگی گذاشت و اکنون که وقت تحصیل او فرارسیده بود محمد جعفر شور شعف خاصی برای تحصیل پسرش نشان می داد عبد الکریم نیز همواره علاقه خود را به خواندن و نوشتن ابراز می کرد اما در روستای محروم آنان مکتب و مدرسه نبود لذا پس از مدتی عبد الکریم توسط یکی از بستگانش که در کسوت روحانیت بود به مکتب خانهای در شهر اردکان سپرده شد او مدتها در اردکان به تحصیل علوم ابتدایی و ادبی و قرائت قرآن مشغول بود که در همان دوران جوانی از سایه پر مهر پدر بی نصیب گشت و عبد الکریم که مادر غمدیده اش را تنها یافت به سوی او شتافت و مدتی آتش عشق به دانش اندوزی را در خود خاموش نگه داشت. پس از چندی بار دیگر عشق به معارف قرآن در دلش جوانه زد و با موافقت مادر کوله بار سفر به سوی حوزه علمیه یزد را بست و در مدرسه محمد تقی خان سکنی گزید و مدتی نگذشت که به عنوان یک دانش پژوه اسلامی با اندیشه های بلند در میان علمای بزرگ شناخته شد.

در هجده سالگی راهی کربلا شد و با اینکه در آن زمان

قم از بزرگترین شهرهای مذهبی جهان تشیع به شمار می آید که از روزگاران نخست تولد تشیع در ایران به مرکزیت شیعه شهرت داشته و تا کنون نیز مرکزیت خود را در دانش و بینش اسلامی و تصمیم گیری درباره جریانات سیاسی و اجتماعی حفظ کرده است لذا تاریخ قم سابقه درخشانی در خصوص برپایی حوزه علمیه و پایگاه دینی مردم دارد اولین کسانی که در این شهر برای تاسیس حوزه علمیه قیام کردند محدثین قبیله اشعری بودند که از یاران امامان معصوم علیهم السلام به شمار می رفتند.

در زمان حجاج بن یوسف ثقفی گروهی از شیعیان مشهور به اشعریین از کوفه به سوی قم هجرت نموده و در آنجا اقامت جستند و سپس عبدالله بن سعد اشعری که عالم و دانشمند آنها بود به ترویج و تبلیغ اسلام و تشیع پرداخت و فرزندان او نیز به نشر و تعلیم قرآن و احکام اسلام اشتغال یافته و در نتیجه نه تنها گسترش اسلام و تشیع در شهر قم موهون خدمات این عالم بزرگوار و فرزندان او می باشد بلکه اولین گام حرکت علمی در قم نیز به وسیله او برداشته شده است به دنبال آن حرکت علمی ابراهیم بن هاشم قمی که از اصحاب امام هشتم علیه السلام است و در محضر عالم بزرگ یونس بن عبد الرحمن کسب فیض نموده به قم آمد و برای اولین بار احادیث کوفیین را در قم نشر داد و گام بزرگی در تحول و تکامل علمی در حوزه قم برداشت و در رشد محیط علمی قم به توفیق بزرگی دست یافت.

با توجه به مطالب یاد شده باید گفت که سابقه تشیع و فرهنگ جعفری به قبل از ورود حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها به قم بر می گردد ولی از آن هنگام که آن بانوی بزرگوار به قم آمد و در قم مدفون گردید مرقد او شمعی شد که پروانه ها رابه سوی خود کشید و شهر قم مرکزیت بیشتری یافت و علمایی که به قصد زیارت آن حضرت به قم می آمدند گاهی در این شهر سکنی می گزیدند و همین باعث تشکیل یک اجتماع علمی قوی متشکل از علاقمندان به فرهنگ و مکتب جعفری گردید.

نقطه تحول

حوزه قم در مسیر تاریخ همچنان به سیر خود ادامه داد اما در

حوزه سامرا رونق بیشتری داشت اما او نزدیک دو سال در جوار حرم قدس حسینی به تهذیب و تحصیل پرداخت. کربلا دوران آرامش خود را طی می کرد و او همانند دهها نفر دیگر هر روز راه حجره تا حرم امام حسین(ع) را در فضای آرام و دور از هیاهو طی می کرد و خود را به سلاح علم و تقوی می آراست در مدت دو سالی که در کربلا بود علم و نبوغ او بر فضایی دیگر خصوصا استادش آیه الله فاضل اردکانی ظاهر شد و استاد دریافت که حوزه کربلا برای پرورش و شکوفایی خلاقینهای علمی عبدالکریم بود به سوی میرزای بزرگ شیرازی (مرجع تقلید وقت) فرستاد.

آیه الله حائری در سامرا مورد عنایت میرزای شیرازی قرار گرفت و پس از چندی در شمار علما و فضایی مشهور آن سامان درآمد در سال ۱۳۳۳ بنا به دعوتی که از ایشان شده بود به اراک مهاجرت کرد و در همانجا حوزه تدریس علوم اسلامی را تشکیل داد.

مهاجرت به اراک

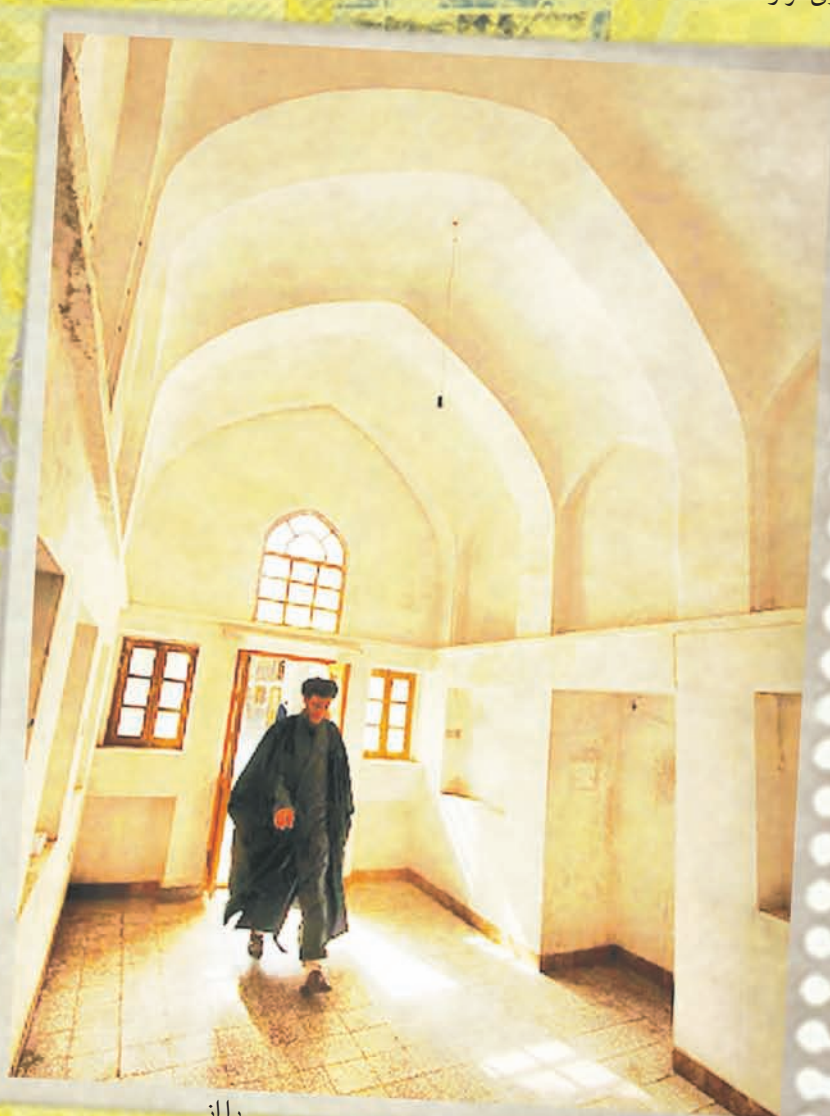
آیه الله حائری در سال ۱۳۳۳ به خواهش آقای حاج میرزای محمود فرزند حاج آقا محسن اراکی به اراک آمد و بیش از هشت سال در آن شهر عهده دار اداره حوزه علمیه و تربیت طلاب و علما شدند تا جایی که عدده طلاب در حوزه علمیه اراک از سیصد نفر تجاوز کرد و اراک یک مرکز عظیم علمی و تحقیقی شد در سال ۱۳۴۰ در ماه رجب به همراه مرحوم آیت الله سید محمد تقی خوانساری به قم آمدند انگیزه سفر ایشان به قم زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها بوده است گر چه در عبارات بخشی از ناقلین، مسافرت ایشان را به دلیل دعوت بعضی از رجال علمی قم دانسته اند ولی ظاهرا منافاتسی بین این کلمات نیست چون ممکن است که ایشان را دعوت کرده باشند ولی ایشان برای زیارت به قم آمده اند و علاوه بر آن خواسته اند که در آن سفر وضع قم را هم بدست بیاورند.

ورود آیه الله حائری به قم

اواخر زمستان ۱۳۰۰ هـ ش (مطابق با ۲۲ رجب ۱۴۳۰ هـ ق) بود که آیه الله حائری و فرزند بزرگش آیه الله مرتضی حائری به همراه آیه الله محمد تقی خوانساری به قصد اجابت دعوت مردم از اراک به سمت قم حرکت کردند شهر قم که به خاطر بزرگداشت عید مبعث پیامبر اکرم(ص) آیین بندی شده بود خود را مهبای استقبال از آیه الله حائری نمود.

با پیچیدن زمزمه ورود آیه الله حائری به شهر، فوج فوج مردم دلباخته مرجعیت برای استقبال از او به خارج شهر شتافتند آیه الله حائری در میان انبوه جمعیت استقبال کننده وارد شهر قم می شود و در مجالس جشن و سرور عید مبعث در نقاط مختلف قم شرکت می کند.

تقارن عید مبعث و نیمه شعبان و عید نوروز جمعیت زیادی



را از تهران و شهرهای دیگر کشور بسوی قم کشانده بود واعظان و کسبانی که آیه الله حائری را از دوران حضور او در سامرا و نجف می شناختند بر منابر و مجالس وعظ و خطابه ار کمالات معنوی و علمی ایشان برای مردم سخنها گفتند و اهالی را برای نگهداشتن آیه الله حائری در قم تشویق کردند.

تاسیس حوزه علمیه قم

تاسیس حوزه علمیه قم چیزی بود که زمزمه آن قرنها

استخاره خوب است یا بد اما در مورد ماندن در قم به قرآن استخاره کرد و خود را به مشیت الهی سپرد که آیه‌ای زیبا و مناسب حاش «... اتونی باهلکم اجمعین» خط مشی آینده او را ترسیم نمود و آیه الله حائری را مضمم ساخت حوزه علمیه قم را سامان داد و شاگردان خود را از اراک به این شهر فراخواند.

بازسازی مدارس

با اقامت گزیدن آیه الله حائری در قم در سال ۱۳۴۰ ه. ق. مطابق با ۱۳۰۱ ه. ش بنیان حوزه علمیه قم نیز نهاده شد و با گامهای بزرگی که آیت الله حائری برداشت این حوزه به تدریج رشد کرد و در ردیف بزرگترین حوزه‌های علمیه جهان تشیع درآمد. اساسی‌ترین گامی که آیه الله حائری پس از تاسیس حوزه برداشت تعمیر مدارس دینی بود و با تغییر روش آموزشی نیز تحولی عظیم را در آنها ایجاد کرد وی در این راه همت و تجربه تدریس سی ساله خود را به کار بست به گونه‌ای که با این روش برنامه‌های درسی حوزه علمیه نجف اشرف با همه ابعاد و وسعتش در حوزه علمیه قم رایج‌شد و دوران نابسامان حوزه علمیه



پیش در حوزه علمیه نجف شروع شده بود و ریشه در روایات امامان معصوم (ع) داشت. امام صادق (ع) در قرن دوم هجری قمری برای یاران خود از شهر قم سخن رانده بود و در جهت مرکزیت این شهر برای دانش اسلامی چنین گفته بود:

«زود باشد که کوفه روزگاری از مؤمنان خالی گردد و علم و دانش در آن ناپدید شود... و به شهری که آن را قم گویند ظاهر شود و روشن گردد و معدن اهل علم و فضل شود...»

و در طول این قرن‌ها این نوید امامان بزرگوار شیعه

بود که همواره زبان به زبان نقل می‌شد و در ذهن شیعیان جای می‌گرفت.

جلسه تاریخ ساز

اوایل بهار ۱۳۰۱ ه. ش درست پس از ۲ ماه اقامت آیه الله حائری در شهر قم منزل آیه الله پایین شهری جلسه‌ای از طرف علما، بازاریان و کسبه تهران تشکیل شد که بزرگانی از فقه‌های قم چون آیه الله بافتی، آیه الله کبیر و آیه الله فیض در آن شرکت داشتند در این جلسه گفتگو پیرامون تاسیس حوزه علمیه قم ساعتها به درازا کشید سرانجام نظر نهایی به آیه الله حائری محول شد همه علما و بزرگان علم و معرفت به آیه الله حائری اصرار کردند و نیز بسیاری از بازاریان و کسبه در تأمین مالی حوزه اعلام آمادگی کردند آیه الله حائری ابتدا بر این عقیده بود که بزرگان قم خود این کار را انجام دهند و از عهده این امر خطیر نیز بخواهند آمد اما چون اصرار بی‌حد علما را مشاهده نمود تکلیف را بر عهده خود ثابت دید و با بیان این نکته که: «استخاره خواهیم کرد که آیا صلاح است در قم مانده و به فضلا و محصلین حوزه اراک که انتظار بازگشت مرا دارند بنویسم به قم بیایند» تصمیم خود را به بعد موکول کرد.

صبح روز بعد پس از آنکه نماز صبح را به پایان رساند در حرم حضرت معصومه به دعا و نیایش ایستاد و به استخاره روی آورد نقل است که آیه الله حائری به قرآن استخاره نمی‌کرد و می‌فرمود من درست نمی‌فهمم مثلا «یسبح ما فی السموات و الارض» نسبت به موضوع



قم که پس از میرزای قمی وضع رقت‌باری یافته بود پایان گرفت اساسی‌ترین ابتکار آیه الله حائری پس از توجه دادن محصلین علوم علوی به ژرفنگری در درس و بحث علمی گزینش «هیئت ممتحنه» برای گرفتن از درس حوزوی بود که امروز چنین روشی در آموزش و پرورش دنیا از ضروریات کار محسوب می‌شود.

شکوه و عظمت حوزه علمیه قم از آغاز تا امروز که بیش از هفتاد سال از شکل‌گیری آن می‌گذرد هر سال چشمگیر تر از گذشته در عرصه‌های مختلف نمو داشته‌است و پرتو آثار وجودیش افق‌های جدیدی از دورترین نقاط این عالم را درنوردیده است این حوزه با شکوه گذشته از اینکه بزرگترین دانشگاه علوم اسلامی است در رشته‌های اعتقادات، فقه و حقوق عرفان و فلسفه اقتصاد تفسیر کلام و ... پاسخگوی نیازهای اجتماعی فرهنگی و فکری جامعه نیز بوده و هست که در این راه اندیشمندان فراوانی را در دامن خود پرورانده است.

اقتباس از کتابهای:

نگهبان بیدار

تاریخ علمای اسلامی و فقه‌های نامدار شیعه

آیت الله مؤسس

پنجاه و پنج نکته ارزشمند در تربیت کودکان

قسمت دوم

وجود شما را می خواهند و حضور شما در خانه برای آنها ارزشمند و حیاتی است. با دقت گوش دادن به حرف های نوجوان، پذیرفتن و تشویق رفتارهای مطلوب او، فراهم کردن فرصت هایی برای ابراز وجود و خودنمایی و عدم تمسخر و سرزنش او از نشانه های برقراری رابطه انسانی سالم با نوجوان است.

۱۴- کمک به تصمیم گیری

گاهی اوقات پدران و مادران نظرها، رغبت ها و علایق خود را به فرزندان تحمیل می کنند و حتی بدون توجه به سن و موقعیت آنان، برای آنها رنگ و مدل لباس انتخاب می کنند. در چنین

گفتیم نفس انسان در آغاز آفرینش سالم، صاف و بی آلیش است و تحت هر نوع تعلیم و تربیتی که قرار بگیرد به همان سرشت درمی آید. اگر تعلیم و تربیت و بر اساس فطرت پاک و استعداد های درونی انسان باشد، او انسانی پاک، وارسته و با اخلاق دینی پرورش می یابد و اگر تربیت شخص بر فساد اخلاقی و معیارهای غیرالهی مبتنی باشد، وی به فردی فاسد و بی ایمان تبدیل می شود.

در میان مکتب های مختلف تربیتی که روش های متفاوتی از شیوه های تربیتی را ارائه می کنند، دین مبین اسلام روش خاصی را در راستای تربیت انسان ها ارائه می کند در این روش که در قرآن و احادیث هم بیان شده سعی می شود با آگاه ساختن افراد از خود و جهان اطراف به تربیت همه جانبه شخصیت آنان پرداخته شود و جامعه ای بر اساس برادری و برابری به وجود آید.

در این رابطه به ده نکته تربیتی که دارای اهمیت ویژه ای است اشاره کردیم، در این شماره ادامه آن نکات را پی می گیریم:

۱۱- پرورش قوای ذهنی

بهترین راه پرورش قوای ذهنی کودک این است که هر کاری که به آن رغبت دارد و شخصا می تواند از عهده اجرای آن برآید، انجام دهد تا در توسعه تفکر و خلاقیت او مؤثر باشد. پس اگر می خواهیم فرزندانمان مطالب و مفاهیمی را که در پی آموزش آنها هستیم بهتر فرا بگیرند، باید در موقعیتی آنها را مطرح کنیم که با آمادگی روانی - عاطفی آنان همراه باشد.

۱۲- آینده کودکان

سرنوشت کودکان به نوع تفکر آنان به زندگی و آینده بستگی دارد. اگر خواهان آینده ای پر بار برای فرزندان خود هستید، به جای اندوختن ثروت های مادی، اندیشه های آنان را بارور سازید. به جای آن که وسایل و ابزارهای خوشبختی را از بیرون برایشان فراهم سازید، سعی کنید آنان اکسیر خوشبختی را در درون خود و از طریق خدمت و محبت ورزیدن به دیگران بجویند.

۱۳- پذیرش و احترام

محترم شمردن نوجوان، احترام به حقوق او، توجه به نیازهای همه جانبه او و پذیرش او همان طور که هست، از مهم ترین اصول برقراری رابطه انسانی است. فرزند یا فرزندان شما بیش از هر چیز،





در او ایجاد شود. به فرزند نوجوان خود اعتماد کنید و پس از دادن آگاهی‌های لازم، به او اجازه دهید که به تدریج در امور گوناگون تصمیم بگیرد و تصمیم‌گیری در امور زندگی، تحصیلی و شغلی را تمرین کند.

۱۷- تعریف و ستایش

تعریف و ستایش بیش از حد از کودک مانع خودیابی و کشف واقعیت‌های موجود در خودش می‌شود. نتایج پژوهش‌ها و تجربیات تاریخی نشان داده است که در اغلب موارد، افراد موفق و پیشرو در زندگی کسانی بوده‌اند که کم‌تر تعریف شنیده‌اند؛ چرا که ستایش و تمجید افراطی از کودک، احتمالاً نتایج وارونه‌ای را به دنبال دارد و محرک‌های طبیعی و انگیزه‌های درونی را در فرد تضعیف می‌کند. هر فردی از موفقیت و کشف کردن و پیشرفت کردن، لذت می‌برد، لذا اگر تشویق‌های بیرونی جانشین تشویق درونی شود، به طور ناخواسته مانع ظهور انگیزه‌های درونی او شده ایم.

۱۸- نظارت بر رفتار

نظارت مفید و مؤثر بر رفتار کودکان، از اصول مهم بهداشت روانی آنان است. به نظر می‌رسد یکی از نیازهای بهداشت روانی کودکان این است که احساس کنند پدر و مادر بر رفتار آنان نظارت دارند؛ به بیان دیگر، کودکان باید احساس کنند که خوب و بد رفتار و گفتار آنان، برای والدین اهمیت دارد. برای این کار، پدر و مادر هم چون باغبانی که مراقب است که آفت گل‌ها و گیاهان را آسیب نرساند، آفت‌های تربیتی فرزندان خود را می‌شناسند و کودکان را در برابر این آفت‌ها محافظت می‌کنند.

۱۹- معنویت

کودکان، معنویت را در رفتار پدر و مادر خود جستجو می‌کنند، و به رفتار والدین بیشتر از گفتار آنان توجه دارند. اگر ارزش‌های اصیل مذهبی به طور هماهنگ در گفتار و رفتار پدر و مادر و در روابط والدین با یکدیگر جلوه‌گر شود، این ارزش‌ها آسان‌تر به فرزندان منتقل می‌شوند؛ زیرا پدر و مادر اولین الگوی فرزندان خود هستند.

۲۰- مقاومت در برابر لجبازی

والدین و مربیان باید تلاش کنند تا در برابر لجبازی‌های کودک تسلیم نشوند. کافی است یکی دوبار در برابر لجبازی‌های کودک مقاومت کنیم تا او در عمل بیاموزد که با لجبازی نمی‌تواند به هدف‌های خود برسد. در این صورت او ناگزیر خواهد بود راه‌های مناسب‌تری را برای ارتباط با دیگران بیاموزد. کافی است شما رفتار خوب او را تشویق و تقویت کنید و در برابر لجبازی‌های او تسلیم نشوید. با صبر و حوصله و پشتکار می‌توان با این قانون ساده، رفتارهای خوب کودک را افزایش داد.

موقعیتی، بروز رفتارهایی از قبیل لجبازی، مقاومت منفی و سرکشی طبیعی است. باید به نوجوان اعتماد کرد و به وی اجازه داد که به تدریج پس از کسب آگاهی‌های لازم، خود تصمیم بگیرد و تصمیم‌گیری در امور زندگی، تحصیلی و شغلی را تمرین کند.

۱۵- توقعات و انتظارات

پیش از آن که کودک را به کاری وادار کنیم، باید توانایی و ظرفیت او را نسبت به انجام دادن آن کار بسنجیم تا تکالیفی که بر او تحمیل می‌شود، خارج از توان او نباشد. تجربه نشان داده است توقعات و انتظارات بیش از حد نه تنها نتایج وارونه‌ای را به دنبال می‌آورد، بلکه کودک را نسبت به انجام وظایف اصلی و تکالیف طبیعی‌اش نیز بیزار می‌کند، تا آن‌جا که از انجام حداقل وظایف و توقعات نیز شانه خالی می‌کند.

۱۶- مشورت کردن

بسیاری از مشکلات خانواده‌هایی که فرزند نوجوان دارند، نتیجه عدم مشورت با آنهاست. برخی از پدران و مادران در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی یا در امور مربوط به تحصیل، شغل و ازدواج فرزندان با وی مشورت نمی‌کنند. در حالی که مشارکت دادن نوجوان در این‌گونه امور موجب می‌شود احساس مسئولیت و توانایی تصمیم‌گیری

رفتارهای مناسب در کودک به تدریج موجب کاهش لجبازی می شود.

۲۱- کودکی کردن

کودک اگر در کودکی کاملاً کودکی نکند، در دوران بزرگ سالی به گونه ای کودکی خواهد کرد و اگر در دوره خردسالی بچگی نکند، در بزرگ سالی با روحی کوچک باقی خواهد ماند. اگر بچه ای بر اساس فشار والدین و به طور تصنعی، مؤدب، ساکت، سربه زیر و منظم باشد، فردا که بزرگ شود، به شدت حيله گر و متظاهر خواهد بود، زیرا در درون بسیار ناآرام و در ارتباط اجتماعی وابسته و نابالغ است.

۲۲- بزرگی کردن

یکی از عواملی که موجب می شود بچه های امروز، ارزش های پدر و مادر را نفی و رفتار بزرگ سالان را رد کنند، این است که از راه نصیحت شنوی مجبور به بزرگی کردن شده اند، ولی همیشه از این گونه بزرگ بودن و بزرگ شدن بیزار بوده اند و از آن خاطره های بدی دارند. بنابراین، اگر در پاره ای از موارد هیچ کاری نکنیم و نگذاریم که هیچ اقدامی صورت گیرد، به تربیت فطری کودکان نزدیک تر شده ایم.

۲۳- انگیزه و نیاز به پیشرفت

مهم ترین عامل در پیشرفت و موفقیت، نه هوش و نه استعداد، بلکه انگیزه و نیاز به پیشرفت و موفقیت است. ولی اغلب والدین به جای تقویت انگیزه و بیدار کردن نیاز فرزند خود به موفقیت، او را به کسب موفقیت و پیشرفت مجبور می کنند و او را به سبب شکست هایش سرزنش می کنند؛ حال آن که این برخوردها جز از بین بردن انگیزه پیشرفت حاصلی در بر ندارد. در واقع والدین به نام تقویت رفتار مطلوب فرزند خود، ناخواسته رفتار نامطلوب را در او پرورش می دهند. به همین دلیل است که فرزندان این گونه والدین، روز به روز، ناامیدتر شده، احساس شکست و دل سردی بیشتری نسبت به آینده خود می کنند.

۲۴- خودشناسی

آموزش این که فرزندان ما هر روز با محاسبه و مراقبت، رفتار خود را ارزیابی کنند، بیش از آموزش های درسی و مدرسه ای اهمیت دارد؛ زیرا این آموزش، به خودشناسی و خودیابی آنها کمک می کند. بنابراین خوب است که هر شب هنگام خواب به آنها یادآوری کنیم که از خود بپرسند آن روز را چگونه گذراندند. همین بازنگری و بازاندیشی منجر به آفرینش موفقیت های برتر خواهد شد و کودک یاد می گیرد که چگونه فراتر از آنچه هست،

۲۵- خلاقیت

خلاقیت و ابتکار یا دنباله روی و عدم خلاقیت کودکان، تا حد زیادی تحت تأثیر روابط خانوادگی آنهاست. روش تربیت آزادمنشانه و همراه با انضباط، خلاقیت و ابتکار بیشتری را در کودکان باعث می شود. در حالی که روش تربیتی سلطه طلبانه، بیشتر هماهنگی و دنباله روی را در کودکان رشد می دهد.

ادامه دارد



۱۲ فروردین، روز «جمهوری اسلامی»



۱۲
فروردین
۱۳۵۸



مناسبت ملی روز:
روز جمهوری اسلامی ایران

یادداشت:
آری

سیاسی، اجتماعی ایران را تغییر داد و جمهوری اسلامی مستقر شد. به همین سبب این روز مبارک از آن پس روز «جمهوری اسلامی» نام گرفت.

پس از آنکه قرن‌ها تئوری جدایی دین از سیاست و نظام‌های حکومتی لائیک بر دنیا سیطره داشت و قوانین شرعی و الهی امری خصوصی در زندگی مردم تعبیر می‌شد، در ۱۲ فروردین سال ۵۸ نظامی متولد شد که این نظریه‌ها را در قرن بیستم باطل کرد و حکومت اسلامی را براساس موازین و آموزه‌های

۱۲ فروردین یکی از روزهای تاریخی و مهم ایران اسلامی است، در این روز با رای اکثریت قاطع مردم، نظام سیاسی کشور پس از ۲۵۰۰ سال از نظام سلطنتی به نظام جمهوری اسلامی و حکومت مردمی تغییر یافت.

در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ ثمره مبارزات ضد سلطنتی و طاغوتی و شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی ملت ایران به بار نشست و نظام جمهوری اسلامی ایران استقرار یافت. در این روز ملت ایران با رای ۹۸/۲ درصدی خود ساختار



دینی به منصف ظهور و عمل رساند.

جمهوری اسلامی شکل نوینی از نظامهای حکومتی است که تلاش می کند با الهام از قوانین و تعالیم نجات بخش اسلام الگوی زندگی جدیدی در عرصه اجتماعی و سیاسی بشر امروزی ارائه دهد تا بر اساس آن نیازهای مادی و معنوی انسان توفمان فراهم شود.

از نظام جمهوری به «حکومت مردم بر مردم» تعبیر می شود و «جمهوریت» در نظام حکومتی نشان دهنده نقش مردم در تشکیل و استمرار آن است به طوری که مردم با حضور در صحنه های مختلف علاوه بر مشارکت در تعیین سرنوشت خویش خواسته های خود را از حکومت مطالبه می کنند.

معنی لغوی «جمهوریت» یعنی حکومت برخواسته از مردم و یا همان دموکراسی گرچه مورد اتفاق اغلب تحلیلگران، سیاستمداران و حاکمان سیاسی است، اما نظام های حکومتی در معنی اصطلاحی این واژه دچار اختلاف نظر هستند و از آن برداشتهای متفاوتی دارند.

در زمان تعیین نظام سیاسی کشور پس از سرنگونی نظام طاغوت شاهنشاهی «جمهوری دموکراتیک»، «جمهوری»، «حکومت اسلامی» و ... از جمله نظامهای بود که مطرح شد، ولی امام راحل از همان ابتدا تاکید فراوانی بر استقرار نظام حکومتی جمهوری اسلامی داشتند، به طوری که بر جمهوری اسلامی نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه بیشتر تاکید کردند.

این تاکید نیز بر اساس خواست مردم در دوران مبارزات ضد ستم شاهی بود که در شعار آنها موج می زد و مردم در همه تظاهراتها یکپارچه استقلال آزادی و جمهوری اسلامی را فریاد می کشیدند.

بر این اساس اصل جمهوریت و اسلامیت اصل جدا ناپذیر در نظام حکومتی ایران است که برای تثبیت، استمرار و تداوم آن شهیدان زیادی تقدیم شده است.

«آزادی» از دیگر شعارها و خواسته های ملت ایران در ایام انقلاب بود که با استقرار جمهوری اسلامی شکل عملی به خود گرفت و قشرهای مختلف با حضور در تمام صحنه ها آزادانه به خواسته های خود جامه عمل پوشانده و در تعیین سرنوشت خود مشارکت می کنند.

گرچه لغت آزادی نیز همانند دیگر واژه ها، امروزه مظلوم واقع شده و در نظام سلطه مصادره می شود و با نام آزادی حقوق خیلی ها تضییع می گردد، ولی این واژه در اسلام معنای متعالی دارد. بر این اساس مردم طبق

قانون برای تعالی و کمال خود از حق انتخاب و آزادی بیان برخوردار است و کسی نمی تواند این حق را از مردم سلب کند. در این مکتب سلب آزادی و حق انتخاب از خود نیز نوعی ظلم به خویش است.

«استقلال» بعد دیگری از نظام جمهوری اسلامی ایران است که با استقرار آن ملت ایران از وابستگی به شرق و غرب رهایی یافت و در عرصه بین الملل با حفظ اصول به دفاع از حقوق خویش پرداخت.

استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران و سرنگونی نظام سلطنتی پهلوی علاوه بر اینکه تحولات داخلی به دنبال داشت، تغییراتی در نظام بین الملل، به ویژه در خاورمیانه ایجاد کرد تغییراتی که با اهداف استعمارگران همسو و سازگار نبود و دشمنی آنان را علیه ملت ایران برانگیخت.

از این رو حفظ استقلال هزینه هایی در برداشته و دشمنان این مرزوبوم با طراحی توطئه های مختلف از جمله جنگ تحمیلی، ترور شخصیت های سیاسی، تحریم اقتصادی و ... و در نهایت ایجاد موانع و دشمنی در دست یابی به فناوری صلح آمیز هسته ای سعی در خدشه دار کردن استقلال ملت هوشیار ایران عزیز دارد.

ملت ایران در آغاز دهه چهارم استقرار «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» با تجدید پیمان با آرمانهای امام خمینی (ره) معمار کبیر انقلاب اسلامی و شهیدان به خون خفته خود بار دیگر بر حفظ این ارزشها پای می فشارد و روز «جمهوری اسلامی» را به عنوان یکی از ماندنی ترین روزهای تاریخی این سرزمین گرامی می دارد.

مدارس سالم، دانش آموزان سالم تر رابطه صبحانه با ضریب هوشی



نخوردن صبحانه ضریب هوشی کودکان را کاهش می‌دهد

عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان گفت: نخوردن صبحانه ضریب هوشی و قدرت یادگیری کودکان و دانش آموزان را کاهش داده و به خستگی زودهنگام آنان منجر می‌شود.

دکتر "مهدی سالک" فوق تخصص غدد افزود:

خوردن صبحانه نقش مهم و اساسی در افزایش قدرت یادگیری، خلاقیت و ابتکار کودکان دارد، بنابراین والدین باید نسبت به صرف صبحانه فرزندان، بیش از دیگر وعده غذایی دقت کنند.

وی اظهار داشت: کودکان هفت تا هشت ساعت بعد از خوردن شام، در ناشتایی بسر می‌برند و با صرف صبحانه مغز از قند کافی به عنوان غذا و منبع انرژی استفاده می‌کند.

سالک افزود: برای اینکه کودک و دانش آموز اشتتهای کافی برای خوردن

صبحانه داشته باشند،

باید شام را در ساعات ابتدایی

شب صرف کنند و شبها در ساعت معینی

بخواهند تا صبح زود بیدار شوند و وقت کافی برای خوردن صبحانه داشته باشند.

وی با اشاره به این که برخی از آنان علاقه مند به خوردن صبحانه نیستند گفت:

در این موضوع والدین می‌توانند با دادن تنقلات سنتی مانند گردو، بادام و نیز یک عدد کیک، صبحانه مقطعی فرزند خود را تامین و برای بردن لقمه نان و پنیر به عنوان صبحانه کامل به مدرسه ترغیب شوند.

وی افزود: اگر مدت زمان نخوردن صبحانه طولانی تر باشد، نگهداری قندخون در سطحی که مغز قادر به فعالیت طبیعی خود باشد، دشوارتر و یادگیری، تمرکز حواس و تعادل

